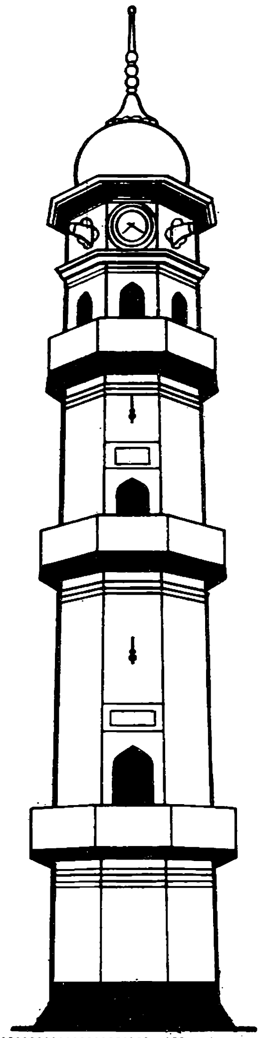
اقتباسات برگزیده

از

حضرت مهدی موعود علیه السلام



Published by
ISLAM INTERNATIONAL PUBLICATIONS
LIMITED

اقتباسات برگزیده

از

حضرت مهدی موعود علیه السّلام

Published by
ISLAM INTERNATIONAL PUBLICATIONS
LIMITED

"Selection from the Writings of the Promised Messiah"
in Persian
First Published in U.K. in 1989
Reprinted in 1993

ناشر : شرکت انتشارات بین المللی اسلام

Published by:
Islam International Publications Ltd.
Islamabad, Sheephatch Lane,
Tilford, Surrey GU10 2AQ. U.K.

Printed by:
Raqeem Press,
Tilford, U.K.

ISBN 1 85372 220 0

به مناسبت برگزاری جشن نخستین صد سال تأسیس جماعت احمدیه جهانی

لا اله الا الله محمد رسول الله

شیفتگان و پیروان جماعت احمدیه پاکیزگی روح بلال حبشی

تا در مقام دیدار با شکیب و شهادت در کالبد خود میهمان نموده

و با خلوص نیت هدیه مقدس خود را به حضور خوانندگان گرامی

تقدیم می‌نمایند

پیش گفتار

یکصد سال از ادعای حضرت میرزا غلام احمد (ع) مبنی بر اینکه ایشان از طرف خداوند هستند، گذشته است (۱۲۸۷– ۱۲۱۴ هجری شمسی برابر با ۱۹۰۸– ۱۸۳۵ میلادی).

این اقتباسات برگزیده‌ای از تحریرهای ایشان است که بمناسبت برگزاری جشن صدساله جماعت جهانی احمدیه انتشار یافته است.

علیرغم مخالفتهایی که شده، پیشرفت جماعت احمدیه در سطح جهان همچنان ادامه دارد. در حال حاضر این جماعت در یکصد و چهارده کشور تأسیس شده و حرکت و پیشروی بعنوان صدای حقیقی اسلام ادامه دارد.

بهترین راه برای تفهیم پیام، ارج و برنامه احمدیه کوشش در جهت تفهیم ادعای حضرت میرزا غلام احمد (ع) است.
بی شک مناسب‌ترین راه آنست که سؤالاتی که در ذهن یک حق‌جو پدید می‌آید روشن شود و تحریرهای شخصی که ادعای مهدی معهود و مسیح موعود بودن را می‌نماید مورد مطالعه بی‌طرفانه قرار گیرد.

در ذیل اقتباساتی است از تحریرهای ایشان اعم از نثر و نظم امید است که مطالعه آن برای خوانندگان محترم شروعی باشد برای مطالعه بیش از هشتاد کتاب حضرت مسیح موعود (ع) که نه تنها از جهت معلومات بلکه از جهات مختلف دیگر روشن‌کننده و موثر است.

جماعت اسلامی احمدیه که جنبشی جهانی در اسلام بشمار می‌آید، در سال ۱۲۶۸ هجری شمسی برابر با سال ۱۸۸۹ میلادی در قادیان (هند) بنیان نهاده شد.
بنیانگذار آن حضرت میرزا غلام احمد "(ع) ادعا نمودند که

مهدی معهود می‌باشند. همان مهدی که پیروان مذاهب مختلف با نامهای گوناگونی منتظرش بودند.
بودائی‌ها منتظر بودا هندوها منتظر کرشنا مسیحیان منتظر مسیح و مسلمانان منتظر مهدی و همچنین مسیح اند

حضرت میرزا غلام احمد (ع) تحت رهنمود ملکوتی ابراز داشتند که تمامی کسانی که در ادیان مختلف مورد انتظار واقع شده‌اند، درحقیقت در یک نفر خلاصه می‌شوند که گویی نمایندگی همه موعودها را دارد و یک شخص است با نامهای مختلف از دید مذاهب گوناگون و هدفش آن بوده که بشریت را بزیر پرچم دین واحدی درآورد.
ایشان همچنین خاطرنشان ساختند که مهدی معهود در ذات خود استقلالی نخواهد داشت بلکه در تابعیت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم می باشد. ایشان معتقد بودند که اسلام دین کاملی برای حیات بشریت است. و بدینسان ایشان اعلام فرمودند که مهدی منتظر می‌بایست بعنوان نائب حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم در اسلام ظهور کند.
ایشان اعلام فرمودند که بالاخره ظهورشان انسان را به عصر طلایی مذهب جهانی که سالها رویای آن را می‌دید، خواهد رساند.

حضرت میرزا غلام احمد (ع) در سال ۱۸۸۹ میلادی از طرف خداوند متعال منصوب گردیدند تا جماعتی را بنیان نهند که مقاصد و اهداف اسلام را پیگیری کند.
و بدینسان در تاریخ ۳ فروردین ۱۲۶۸ هجری شمسی برابر با ۲۳ مارس سال ۱۸۸۹ میلادی بیعت گرفتن از کسانی که ایشان را در ادعای خود صادق می‌دیدند، آغاز شد. و ایشان تأسیس جماعت احمدیه را در لدهانه که شهر کوچکی در پنجاب هند است، رسماً" اعلام کردند

از زمان تقسیم هند، مرکز جماعت از هند به پاکستان منتقل شد و جماعت بعد از هجرت امام شهر کوچکی بنام ربوه را بنا نهاد و آنرا مرکز قرار داد.

در زمانهای مختلف از سوی مخالفان جماعت احمدیه مخالفتهایی شده که معروفترین آنها در سالهای ۱۳۳۲ هجری شمسی برابر با ۱۹۵۳ میلادی، ۱۳۵۳ برابر با ۱۹۷۴ میلادی و ۱۳۶۳ برابر با ۱۹۸۴میلادی بوده است.
آخرین مخالفت با پشتیبانی کامل دولت پاکستان آغاز گردید و قانون معروف به ضد احمدیه به اجرا درآمد. دیکتاتور پاکستان ژنرال ضیاء الحق "اقدامات مختلفی بعمل آورد که جماعت را از پیشرفت بازداشته و محدود سازد. او اعضای جماعت را از کلیه حقوق اساسی محروم ساخت.
با این وجود، جماعت احمدیه مقاومتها و ایثارگریهای بسیاری کرد و درنهایت دولت و علمای طرفدار دولت بفضل خداوند متعال بی‌نتیجه ماندند.
درمورد دیگر کشورها باید گفت که عکس العمل شدید احمدی‌ها نسبت به خصومتها موجب تشدید پیشرفت احمدیه در سطح جهان گردید.

بهرحال هزاران احمدی بخاطر تلاش سخت برای بقاء و مبارزه برای حقوق اساسی بشر، کشتار نسل ها زجرهای وحشتناکی را در زیر شکنجه‌های زندانها متحمل شدند.

از میان برنامه‌های جهانی که در جشن صدساله ۱۹۸۹ میلادی برابر با ۱۳۶۸ هجری شمسی که جهت تقدیر و تشکر برگزار می‌شود، یکی از نمایان ترین کارهایی که طرح ریزی شده، چاپ تراجم قرآن مجید،

منتخب آیات، احادیث پیغمبر اکرم (ص) و اقتباسات برگزیده از حضرت مسیح موعود (ع) میباشند که به بیش از صد زبان دنیا، بچاپ رسیده‌اند.

تمجید الله

بهشتمان خدای ماست .
لذتهای عالی ما در خدای ماست . زیرا ما او را به چشم دل دیده‌ایم و هرگونه زیبایی را در او یافته‌ایم. این ثروت لایق گرفتن است اگر چه با دادن جان بدست‌آید . و این لعل لایق خریدن است اگرچه با محو شدن همه وجود حاصل گردد . ای محرومان! بسوی این چشمه روان بشتابید که شما را سیراب میکند . این چشمه حقیقی و راستین زندگانی است که شما را نجات می‌بخشد . من چه کنم؟ و چگونه این مژده را بر دلها بنشانم. در بازارها با کدام دف ندا کنم که این خدای شماست تا مردم بشنوند و با کدام دوا معالجه کنم تا گوش های مردم برای شنوایی باز شوند ، اگر شما از آن خدا شوید آنگاه یقینا بدانید که خدا از آن شماست.

(کشتی نوح ص ۲۲-۲۱)

صفات الله

ای شنوندگان! بشنوید که خدا از شما چه میخواهد؟ همین بس که شما از آن او گردیده . کسی را با او شریک قرار ندهید ، نه در آسمان و نه در زمین. خدایمان خدائیست که قبلا" سخن می‌گفت واو اکنون هم می‌شنود و هم سخن میگوید . همه صفاتش ازلی و ابدی است . هیچ صفت او باطل نیست و هیچگاه باطل نمیشود . او همان یکتای بی شریک است که پسری ندارد و او را همسری نیست و او همان بی نظیریست که ثانی ندارد و هیچ فردی مانند او با صفت خاص مخصوص نیست . او همتایی ندارد که هم صفتش باشدوتوانائیش

کم نیست . او نزدیک است با وجود دور بودنش ، و دور است با وجود نزدیک بودنش . او میتواند خود را به تمثیل بر اهل کشف آشکار کند اما نه جسمی برای اوست و نه شکلی و او از همه بالاتر است اما نمی‌توانیم بگوئیم که در فرو دست او کسی دیگر هم هست . او بر عرش است اما نمیتوانیم بگوئیم که روی زمین نیست . او جامع همه صفات کمالیه و مظهر همه محامد حق و سرچشمه همه محاسن است .
او جامع همه توانائی ها و مبداء همه فیوض و مرجع هر چیزی و مالک هر ملکی و متصف به هر کمالی است . و منزه از هر عیب و ضعفی است . و مخصوص است در این امر که اهل زمین و آسمان او را عبادت کنند .

(الوصیت ص ۱۱-۱۰)
(روحانی خزائن جلد ۲۰ الوصیت ص ۳۱۰-۳۰۹)

رویت الهی

کسیکه از شبهه‌ها نجات نیابد ، از عذاب (نیز) نجات نمی‌یابد .
کسیکه از دیدن خدا در این دنیا بی نصیب است ، روز قیامت در تاریکی خواهد افتاد .
فرموده خداست که : من کان فی هذا اعمی فهو فی الاخرة اعمی

(روحانی خزائن جلد ۱۳- کتاب البریه ص ۶۵)

رفتار خداوند با بندگان با وفا

در حقیقت خداوند قوی است و زبردست بزرگی است که متمایل شوندگان با وفا و محبت بسوی او هرگز ضایع نمیشوند. دشمن میگوید که من با نقشه‌های خود آنانرا هلاک میکنم و با بداندیشی آنانرا تار ومار میکنم. اما خداوند میگوید که ای نادان! آیا تو با من می‌جنگی؟ و عزیز مرا میتوانی خوار کنی؟ در حقیقت در زمین کاری انجام نمی‌پذیرد بجز آنچه که در آسمان قبلاً" تصمیم گرفته شده باشد و آنقدر دست زمین نمیتواند دراز باشد که در آسمان دراز گردانده شده است. پس توطئه‌چین های ظلم سخت نادان اندکه در حین نقشه‌های شوم و قابل شرم آن هستی برتر را بیاد نمیدارند که بدون اذن او برگی هم نمیتواند بیافتد. لذا همیشه از اراده‌های خویش ناکام و شرمنده میشوند و از بدی‌هایشان به صادقان ضرری نمیرسد. بلکه نشانه‌های خداوندظاهر میشوند و معرفت خلق الله افزوده میشود. او خدائیست قادر و قوی اگرچه با این چشمان دیده نمیشود اما با نشانه‌های عجیب خود را ظاهر میکند.

(روحانی خزائن جلد ۱۳کتاب البریه مقدمه صفحه ۱۹—۲۰)

فیض الله

نور آسمان و زمین خداست. یعنی هر نوری که در بلندی وپستی بنظر میآید خواه در ارواح باشد، خواه در اجسام و خواه ذاتی و خواه عرضی و خواه ظاهری و باطنی و خواه ذهنی و خارجی، همه عطیه فیض اوست. این بدان سوی اشاره است که فیض عام

حضرت پروردگار عالمیان هر چیزی را احاطه میکند و کسی از فیض او بی بهره نیست. اوست مبداء فیوض و انوار و علت العلل و سرچشمه رحمت ها. ذات حقیقی اوست که قیوم همه عالم است و همان اوست که هر چیزی را از ظلمتکده عدم بیرون میآورد و خلعت وجود میبخشد. بجز او وجودی نیست که در ذات خود واجب و ابدی باشد یا از او مستفیض نباشد. بلکه خاک و افلاک و انسان و حیوان و حجر وشجر وروح و جسم همه از فیوضات او وجود پذیراند.

(روحانی‌خزائن جلد ۱ براهین احمدیه حاشیه ص ۱۹۱-۱۹۲)

حمد وثنای الله

حمد وثنا خداوندی را که ذات او جاودانیست
خداوند یکتائی که اورا نظیری نیست
فنا ناپذیری که جز او هرچه هست فنا شدنی است
به غیر او دل بستن قصه‌ای دروغ است
در نزد من همه بیگانه‌اند!
زیرا
او تنها یاری دهنده دل من است!
اینست همه آنچه در اندیشه‌ام میگذرد:
سبحان من یرانی!
پاک ومنزه است آن کسیکه مرا می بیند...
اوست یاری دهنده‌ای که رحمتش آشکار است
اوست دلدار گرامی من!
گذر از بیشه‌زار زندگی بی‌یاد او ممکن نیست
چراکه بجز او همه چیز فریب است
الهی! ایام را برای ما پربرکت کن!
سبحان من یرانی!
پاک و منزه است آن کسیکه مرا می بیند!

(روحانی خزائن جلد ۱۲ محمودکی آمین صفحه ۳۱۹)

چشمهٔ پاک

صادقانه میگوئیم اگر در روح‌ها جستجوی حقیقی باشد و در دلها تشنگی صادقانه آنگاه مردم طریقی را جستجو میکنند و راهی را می‌طلبند. اما این طریق چگونه گشوده میشود و این حجاب چگونه برداشته خواهد شد؟ طالبان را یقین میدهیم که تنها اسلام است که مژده میدهد و قومهای دیگر مدتی است که الهام خداوندی را خاتمه یافته می‌پندارند. پس یقین کنید، الهام از سوی خداوند خاتمه نیافته بلکه انسان محروم قادر به درک آن نیست. یقین بدانید که این ممکن نیست که بدون چشم بتوانیم ببینیم یا بدون گوش بتوانیم بشنویم، یا بدون زبان بتوانیم سخن بگوئیم. همانگونه‌که ممکن‌نیست بدون قرآن مجید صورت محبوب گرامی را بنگریم. از زمانی که جوان بودم تا اکنون که پیر شده‌ام کسی را نیافتم که بدون این چشمه پاک، پیاله آن معرفت آشکار را نوشیده باشد.

(روحانی خزائن جلد ۱ براهین احمدیه‌حاشیه‌ص ۱۹۲–۱۹۱)

در ستایش الله

اوست مبداء همه انوار!
عالمی که آئینه‌دیدگان ماست، تجلی گاه انوار اوست
شب هنگام با دیدن ماه تابان سخت بی قرار شدم،
زیرا
نشانه‌های اندکی از جمال یار در آن یافتم
دل من از بهار حسنش در جوش است و در خروش!
نزد ما سخن مگوئید از مه جبینان ترک و پری پیکران تاتار!
به هرسو مینگرم جلوه‌های قدرت لایزال اوست ۰ آن عزیز! آن گرامی!
به هر سو مینگرم او را می‌بینم
در چشمه خورشید انوار او و در هر ستاره‌ای تلألؤ ذاتش نمایانست
تو خود بر دلهای زار عاشقانت نمک فراق پاشیدی
تو خود در هر ذره‌ای حکمتی نهادی
الهی! اسرار دفتر وجودت را چه‌کسی خواهد خواند؟ چه‌کسی تواند خواندن؟
انتهای قدرت ترا که می‌یابد؟
این اسراریست ناگشودنی.....
خوبرویان به تنهائی، جلوه‌ای از ملاحت حسنت را بعاریت دارند!
و در هرگل وگلشنی جلوه‌ای از شمیم گلزار وجودت جاریست!
چشمان دلفریب هر زیبا روئی نشان تو دارد و طرّه گیسوی هردلداری نشان تو!

(روحانی خزائن جلد ۲ سرمه چشم آریه صفحه ۵۲)

توحید

توحید نوری است که پس از نفی علائق انسانی به انفس و آفاق در ذره ذره وجود نفوذ میکند. پس چگونه میتوان بدون خدا ورسولش به تنهائی چنین نوری را در دل حاصل نمود؟ بر انسان است که تکبر شیطانی را ترک کند و برخود نبالد که من پرورش یافته علوم هستم. باید خود را در برابر پروردگار توانا همانند جاهلی گمان کند و پیوسته به دعا مشغول باشد. آنوقت است که نور توحید از سوی خداوند در قلب و روحش جاری میشود و زندگی جدیدی به او میبخشد.

(روحانی خزائن جلد ۲۲ حقیقت الوحی ص ۱۴۸)

وفای الله

آن خدائی که قرآن معرفی نموده بی‌نهایت وفادار است وکارهای عجیب او بر وفاداران آشکار میشود. دنیا میخواهد که آنانرا مجذوب کند و دشمنان برآنان خشم میگیرند. اما اللهکه دوستشان است از هر هلاکتی آنانرا محفوظ میدارد و در هر میدانی آنانرا پیروزی میبخشد. چقدر نیک طالع‌اند آنانکه دامان خدا را رها نکنند.

(روحانی خزائن جلد ۱۹ کشتی نوح ص ۲۰)

اتم و اکمل انسانها

آن نور نور اعلی که به انسان داده شد، به انسان کامل آن نور در فرشتگان نبود، در انجم نبود در قمر نبود، در آفتاب هم نبود. آن در دریا های زمین و دریاچه‌ها هم نبود. در لعل و یاقوت و زمرد و الماس و مروارید هم نبود آن نور در هیچ موجود و شئی ارضی و سماوی نبود و فقط در انسان بود. در انسان کاملی که اتم و اکمل و اعلی و ارفع و سید ومولایش، سیدالاحیاء محمد مصطفی صلی‌الله علیه و آله وسلم هستند.

(روحانی‌خزائن جلد ۵ آئینه کمالات اسلام ص(۱۶۲-۱۶۰)

تاثیر قدسی محمد (ص)

همیشه به دیده شگفتی می‌نگرم نبی عربی را که نامش محمد (ص) است. هزاران هزار سلام بر ایشان باد. او فرستاده‌ایست بس عالی مقام. بلندمرتبه، او در ادراک نمی‌گنجد وتاثیر قدسی وجودش بوسیله هیچ انسانی قابل سنجش نیست. افسوس، بدانگونه که حق است، مرتبه او را نشناختند. او ابر مردیست که توحید محو شده از عالم را دوباره به عالمیان بازگردانید.
محبت‌اش به خداوند یکتا نهایتی نداشت و در همدردی با فرزندان آدم جان خویشتن را گداخت. پس خدائی که بر راز دلش واقف بود، او را بر همه انبیاء از اول تا آخر برتری بخشید و مرادهایش را در زندگی به او عنایت فرمود.

(روحانی‌خزائن جلد ۲۲- حقیقت الوحی‌ص ۱۱۸-۱۱۹)

محمد (ص): جامع جمیع کمالات

نبی اکرم صلی الله علیه وآله وسلم خاتم الانبیاء و جامع جمیع کمالات همه انبیاء اند. زیرا وجود پاکشان جامع کمالات است. پس یشان هم موسی (ع) و هم عیسی (ع) و هم آدم (ع) و هم ابراهیم (ع) و هم یوسف (ع) و هم یعقوب (ع) است، بدانسان که الله جل شأنه اشاره میفرماید فبهداهم اقتده بدین تعبیر که: ای رسول الله! تو از جمیع آن صفات، کمالات و محامدی برخورداری که هر فرستاده ای بطور خاص از برخی از آنان برخوردار میبود. بدینسان به اثبات میرسد که ذات آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم بدین امر اشاره میکند زیرا محمد یعنی که بینهایت ستایش شده و این غایت درجه ستایش است. پس میتوان تصور کرد که همه کمالات انبیاء و صفات خاص در وجود مبارک آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم جمع آمده است.

(آئینه کمالات اسلام صفحه ۳۲۱)

نمونه کمالات انسانی

مرا تفهیم داده شده است که در میان همه فرستادگان تعلیم دهنده کامل تعلیم دهنده حکیم و نمونه اعلای کمالات الهی و انسانی تنها حضرت سیدنا محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم میباشند.

(روحانی خزائن جلد ۷ اربعین ۱ ص ۳۴۵)

فخر رسولان

آنگاه که به دیده انصاف مینگریم در سلسله نبوت ، فرستاده‌ای گرامی‌تر از او در نزد خداوند متعال نمی‌بینیم رسولی به درجه اعلی جوانمرد وگرامی و او سردار انبیاء ، فخر رسولان ،تاج سر کل مرسلان محمد مصطفی و احمد مجتبی صلی‌الله علیه وآله وسلم میباشد .

(روحانی خزائن جلد ۱۲ سراج منیر ص ۸۲)

آن حادثه شگفت انگیز

چه حادثه شگفت‌انگیزی بود ! حادثه‌ای که در سرزمین اعراب بادیه نشین رخ داده بر اثر آن مردگان بیشماری در اندک زمانی زنده شدند مردگانی که نسل اندر نسل فاسد شده بودند رنگ الهی‌اختیار کردند . بینا شدند و بر زبانهای لال معارف الهی جاری شد به یکباره چنان انقلابی در دنیا پدیدار گردید که‌پیش از آن نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده بود . آیا می‌دانید آن چه حادثه‌ای بود؟ آن دعاهای شبهای تاریک فانی فی‌الله بود که در دنیا غوغا براه انداخت و عجائبی را از آن امّی تنها ظاهر ساخت که از محالات بنظر میرسید .

ای الله ! بر او و پیروانش سلامت و برکت بفرست . انوار ابدی رحمت خود را بر او و بر کسانیکه از غم واندوه امت مسلمان رنج می‌برند ، نازل گردان .

(روحانی‌خزائن جلد ۶ برکات الدعا صفحه ۱۰)

کتاب و رسول الله

اینک برای فرزندان آدم پیامبری و شفیعی نیست بجز محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم. پس سعی کنید که با آن، نبی با جاه و جلال محبت راستین داشته باشید و غیر را بر او بزرگی ندهید تا در آسمان در زمره نجات یافتگان نوشته شوید. بخاطر بسپارید نجات آنچیزی نیست که پس از مرگ آشکار میگردد بلکه نجات حقیقی آنست که در همین دنیا روشنی خود را نشان میدهد.
اما کیست نجات یافته؟ او که یقین دارد خداوند توانای راستین است و میان او و همه مخلوق محمد صلی الله علیه و آله و سلم شفیع میباشند. زیر آسمان نه پیامبری هم رتبه اوست و نه کتابی هم رتبه کتاب او قرآن است و خداوند نخواست کسی زنده و جاودان بماند بجز نبی برگزیده او که زنده و جاودانه است.

(روحانی خزائن جلد ۱۹ کشتی نوح ص ۱۴-۱۳)

مبادی توحید و محمد (ص)

آنگاه که سرگذشت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وسلم را در نظر میآوریم واضح و نمایان میشود که آن حضرت بینهایت در راه خداوند متعال یکرنگ، پاک طینت و جانباز بودند و رویگردان از بیم و امید زندگی تنها بر خداوند متعال توکل داشتند. آن نبی مرسل درخواسته و رضای خداوند محو وفنا شده بودند و از آن پروا نداشتند که بهنگام سردادن ندای توحید چه

بسیار بلاها و مصائبی که بر ایشان فرو خواهد آمد و بدست مشرکان چه دردها وغم‌هائی را متحمل خواهند شد.

(روحانی‌خزائن جلد ۱ براهین احمدیه صفحه ۱۱۱)

تأیید الله و محمد (ص)

آیا این ماجرا حیرت انگیز نیست؟ حیرت انگیز نیست که انسانی بی‌زر بی‌زور بی‌کس، امی یتیم، تنها وغریب در زمانیکه هر قومی قدرت مالی نظامی و علمی داشت آن چنان تعالیم روشنی را به منصه ظهور رسانید و با براهین قاطع و حجت های واضح زبان همگان را بست؟ بر اشتباهات بزرگانی که خود را حکیم وفیلسوف می‌پنداشتند انگشت نهاد و با وجود بی کسی و نداری، پادشاهان را از تخت هایشان به زیر افکند و برهمان تخت ها بیچارگان را نشاند؟ اگر اینهمه تائید الهی نبود پس چگونه میتوانست رخ دهد؟ آیا بر کل عالم غالب آمدن بدون تائید خداوندی ممکن خواهد بود؟

(روحانی‌خزائن جلد ۱ ـ براهین احمدیه ص ۱۹۱)

استقامت محمد (ص)

باید تصور گردد که آنحضرت با چه استقامتی نبوت خویش را عرضه کردند؟ با وجود هزاران خطر و مقابله صدها هزار معاند ومزاحم و ترسا از اول تا آخر ثابت قدم ماندند و سالها ایستادگی‌کردند. مصیبت ها دیدند و رنجها تحمل کردند. آن رنجها کامیابی‌ها را

بکلی محو میکرد و هر روز افزونتر می‌گشت ۰ آنحضرت صبر پیشه کردند وبه مقاصد دنیوی اهمیتی ندادند بلکه با اعلام نبوت ، پیروان قبلی خود را نیز از دست دادند و هزاران هزار تفرقه و بلا را بر سر راه خویش قرار دادند ۰ از موطن بیرون رانده شدند ۰ برای کشته شدن تعقیب شدند ، خانه وزندگانی‌شان تباه شد و بر باد رفت ۰ بارها به ایشان زهر داده شد و کسانیکه خیرخواه بودند ، بدخواه شدند و آنانکه دوست بودند دشمنی ورزیدند ۰ آن حضرت زمان درازی تلخی ها را متحمل شدند ،تا آشکار گشت که در این ثابت قدمی و استقامت فریب و مکر نیست ۰

(روحانی خزائن جلد ۱ ــ براهین احمدیه ص ۱۰۸)

مدح محمّد (ص)

به آستان محمد (ص) سلام و رحمت بی حد باد
الهی !
محمد مصطفی (ص) آن نور ازلی را از تو یافتیم
جان مرا با جان محمد (ص) رابطه‌ایست مدام !
دل را از جام لبا لب وجودش نوشانده‌ام
به از او نیامد به‌عالم کسی رها کردم از غیر دل را بسی
یا محمد (ص)
شأن حق در شمایل تو جاریست و ذات حق در خصایل تو مرئی است. . .
مسح کردن دامانت ، مرا از هر دامی نوید نجات میدهد ،
پس ؛
بر آن سر فرود می‌آورم ۰
ای دلدار من ! سوگند به یگانگی است ، در محبت تو آنسان غرق

شده‌ام که همه چیز را به فراموشی سپرده‌ام .
بخدا سوگند از روزی که نقش تو بر دلم زده شد نقش غیر از آن زدوده گشت .
ای برکت رسولان از برکت تو ما برکت امت ها شدیم ،
براستی نبی نوع بشر کیست ، کروبیان سماوات نیز در مدح تو میسرایند آنچه ما سروده‌ایم !

(روحانی خزائن جلد ۵ آئینه‌کمالات اسلام ص ۲۲۶-۲۲۵)

راه معرفت کامل

یافتن این نعمت برای من ممکن نبود اگر زسید و مولا فخرالانبیاء و خیرالوری خود حضرت محمد مصطفی صلی‌الله علیه‌وآله وسلم پیروی نمیکردم . پس آنچه یافتم از پیروی او یافتم . من با علم کامل و صادق خود میدانم که آدمی بجز پیروی از نبی اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم نمیتواند به خداوند متعال نزدیک شود و نمیتواند معرفت کامل بیابد . اینجا متذکرمیشویم آن چیست که پس از پیروی کامل و صادق آنحضرت صلی‌الله علیه وآله و سلم اول از همه در دل بوجود میآید ؟ بخاطر بسپارید که آن قلب سلیم است . یعنی محبت دنیا از دل بیرون میرود و دل طالب لذتی ابدی و لازوال میگردد . پس آن محبت مصفی و کامل الهی بواسطه قلب سلیم حاصل میشود و اینهمه نعمت از پیروی آنحضرت صلی‌الله علیه وآله وسلم به ارث میرسند .

(روحانی خزائن جلد ۲۲ حقیقت الوحی صفحه ۶۵-۶۴)

در ستایش محمد (ص)

اوست پیشوای ما ، آنکه پرتو انوار نبوتش همه جا گسترده ، . . .
نامش محمد (ص) است ۰
او دلدار ومعبود من است ۰
انبیاء همه پاکانند لیکن،
خیرالوری همه اوست
پیشینیان بخوبی قمرند لیکن
بدرالدّجی همه اوست
آنانکه در میانه راه مانده بودند همه را عبور داد !
من فدای او گردم ناخدای همه اوست ۰
او یارلامکانی و دلبر نهانی ماست ۰
او شاه دین و تاج مرسلین است
او طبیب دردها و امین روزگار است ۰
چشمانش حقیقت بین و دلش آراسته به مهر الله است ۰
شمع دین و روشنائی دیدگانست ۰ رازهای دین را بر ما آشکار ساخته و فرمانروائیست که دولت می‌بخشد ۰ من فدای آن نور شدم‌که از آن او شده‌ام ۰
او همه چیز است و من هیچم داوری همین است ۰

(روحانی خزائن جلد ۲۰ آریا های قادیان وما صفحه ۴۵۶)

عظمت حضرت محمد (ص)

حضرت داود علیه‌السلام در زبور ۴۵ عظمت و جلال حضرت محمد صلی‌الله علیه وآله وسلم را اینگونه بیان نموده‌اند. تو در حسن از حضرت آدم (ع) برتری و نعمت بر لبهایت جاری است، لذا خداوند وجودت را مبارک قرار داده ای بی‌هماورد با جاه و جلال شمشیر خویش را حمایل کن و با امانت و حلم و عدالت و بزرگواری و اقبالمندی سوار شو

(روحانی خزائن جلد ۲ سرمه چشم آریه ص ۲۸۲-۲۸۱)

قرآن کریم

قرآن کیسه جواهر است و مردم از آن بی‌خبرند.

(ملفوظات جلد ۲ صفحه ۳۴۴)

شأن قرآن چنان اعلی است که از هر شأنی بلندتر است و آن حَکَم است یعنی داوری کننده و آن مهیمن است یعنی مجموعه هدایت است. آن همه دلیل را گرد آورده و جمعیت دشمنان را متفرق ساخته و چنان کتابی است که در آن تفصیل هر چیزی وجود دارد. در اخبار گذشته و آینده موجود است و از هیچ سو باطل را در آن راهی نیست، و آن نور خداوند متعال است.

(روحانی خزائن جلد ۱۶ خطبه الهامیه صفحه ۱۰۳)

معجزه تام

باید دانست که اعجاز آشکار قرآن مجید بر هر قوم و بر اهل هر زبان میتواند روشن باشد و به آنان ارائه گردد. ما به اهل هر کشور و دیاری خواه هندی یا پارسی یا اروپائی یا آمریکائی یا از هر کشور دیگری باشد میتوانیم پاسخ دهیم.

معارف نامحدود و حقایق و علوم حکیمانه قرآنی آنچنان هستند که در هر زمان موافق حاجت آنزمان گشوده میشوند و برای مبارزه با افکار هر زمان مانند سربازان مسلح ایستاده‌اند. اگر قرآن مجید از لحاظ حقایق و دقایق محدود میبود آنگاه هرگزنمیتوانست معجزه تام قرار داده شود.

(روحانی خزائن جلد ۳ ازالهٔ اوهام ص ۲۵۵)

معجزهٔ رسول (ص)

قرآن مجید معجزه‌ای است که همانند آن نه از اول وجود داشته و نه در آخر بوجود خواهد آمد. باب فیوضات و برکات آن جاودانه جاری است و در هر زمان نمایان و درخشان است آنگونه که‌در زمان آنحضرت صلی‌الله علیه وآله وسلم بوده. علاوه براین باید بخاطر داشت که کلام هر کسی برحسب همت او میباشد. هرچه همت و عزم و مقصد عالی باشد کلام نیز همانقدر بنیانی خواهد بود. پس وحی الهی نیز چنین خواهد بود. وحی‌او بسوی کسی میآید که دارای همت بلند باشد.

چون دایره عزم و همت و استعداد رسول خدا (ص) بسیار وسیع بود،

بنا براین به‌ایشان چنین کلامی رسید . نه این چنین کلامی و نه آنچنان فرستاده‌ای نظیر محمد (ص) باچنان مرتبه و درجه‌ای هیچگاه بوجود نخواهد آمد .

(ملفوظات جلد ۳ صفحه ۵۷)

روشنی قرآن مجید

ما صادقانه میگوئیم و از گفتن راست روی گردان نیستیم که اگر آن حضرت (ص) نمی‌آمدند و قرآن مجید که آثار آن به ائمه واکابر قدیم روشن گشته نازل نمیشد و ما نیز امروز شاهد آن آثار نمی‌بودیم آنگاه مشکل بزرگی پدید آمده بود .
آنچه که فقط با دیدن انجیل بطور یقین میتوانیم بشناسیم آنست که حضرت موسی (ع) و حضرت مسیح (ع) و انبیاء دیگر، در حقیقت از همان گروه مقدس و پاک هستند که خداوند آنانرا با لطف خاص برای رسالت خویش انتخاب نموده . اینرا باید احسان قرآن مجید دانست که روشنی خود را در هر زمان نشان می‌دهد و سپس با روشنی کامل صداقت انبیاء گذشته را نیز بر ما ظاهر میکند و این نه تنها احسان برما بلکه از آدم (ع) تا مسیح (ع) بر همه آن انبیاء است که پیش از نزول قرآن مجید درگذشته‌اند .

(روحانی خزائن جلد ۱- براهین احمدیه حاشیه در حاشیه صفحه ۲۹۰)

قانون فطرت

امروز بروی زمین از همه کتابهای الهامی، تنها قرآن مجید است که کلام الهی بودنش با دلایل قاطع به اثبات رسیده است و اصول نجاتش بر راستی کامل استوار است ۰ عقاید آن چنان مستحکم و کامل اند که براهین قوی بر صداقتشان شاهد و ناطق اند ۰ احکام برحقاش، خالص و استوار اند و تعلیماتش از هر گونه شرک و بدعت و مخلوق پرستی بکلی پاک میباشد ۰ در آن برای ظاهر کردن توحید و تعظیم الهی و کمالات حضرت عزت نهایت راهگشائی شده است ۰

سراسر آن از وحدانیت جناب الهی پر است و هیچگونه داغی، ضرری و عیب و صفت نالایقی بر ذات پاک حضرت باری نمیزند و هیچ اعتقادی را نمیخواهد بقبولاند بلکه تعلیمی که میدهد، قبلاً" علل صداقت آنرا نشان میدهد ۰ و هر مدعا و مطلبی را با حجت و براهین اثبات میکند و بر حقیقت هر اصولی دلایل واضح بیان میکند تا به مرتبه یقین کامل و معرفت تام برساند و هرچه زشتیها و ناپاکیها و خلل و فساد در عقاید و اعمال و اقوال و افعال افتاده باشد همه آن مفاسد را با براهین روشن دور میکند، و آن آدابی را میآموزد که دانستن آن برای انسان بودن بینهایت ضروری است ۰ هرفسادی‌را بشدت دفع میکند وتعلیم آن مستقیم و قوی و سلیم است ۰ احکام آن به آئینه‌ای میمانند که منعکس‌کننده قانون فطرت است ۰ برای بینائی دل و بصیرت قلب آفتاب چشم افروز است ۰

(روحانی خزائن جلد ۱ـ براهین احمدیه‌ص ۸۲ـ۸۱)

مدح قرآن کریم

نور فرقان درخشنده‌ترین انوار است ۔
از پاکی چنین صحیفه‌ای چنان دریای نوری پدید آمد ۔
آنگاه که نزدیک بود بوته توحید بسوزد وفنا شود ،
ناگهان! قرآن این چشمه مصفا از پرده غیب بیرون آمد
عالم را گشتیم و همه منازل را سیر کردیم ۔
لیکـــــن
می عرفان را همین صراحی بود و دیگر هیچ ....
با کدامین سخن میتوان به وصف در آورد ،
آنچـــــه را
که در هر امری یگانه و یکتاست ۔
گناه از آنانست که با چشم دل و دیده بصیرت ،
نمی‌نگرند نوری را که بسیار درخشان است ۔
صد نیّر بیضاست!
زندگی چنین کسانی در عرصه دنیا
همانند خاکست بر باد
آنانکه با دیدن چنین نوری نور فرقان
دلشان نابیناست ۔

(روحانی‌خزائن جلدیک براهین احمدیه‌بخش ۳ حاشیه در حاشیــــه صفحـــه ۳۰۵)

مدح قرآن کریم

ای عزیزان! بشنوید که بدون قرآن
هیچگاه حق را نمی‌یابید
هرلحظه قلبهایتان را منور میسازد
و
سینه‌هایتان را از ناراستی‌ها می‌آلاید
چگونه وصف کنم آنرا
که
جان را جان دیگری می‌بخشد.
می‌درخشد ونیّر اکبر است
چگونه میتوان انکارش کرد
بحر حکمت است،
عشق حق را برجان دل می‌نشاند.
دردمندان را داروئی است بی‌همتا
نشانه خداست و او را نشان میدهد.
دریافته‌ایم که تنها هدایت‌کننده دلهاست.
و دیده‌ایم که تنها آنست.
و
منکرانش آنچه میگویند موهومات است.

(روحانی خزائن جلد ۱ براهین احمدیه بخش ۳
حاشیه در حاشیه صفحه ۲۹۹)

جذبه الهام

وقتیکه خداوند متعال اراده میکند که بعد از دعای بنده‌اش او را به امری غیبی آگاه کند به یکباره بر او چنان حالتی مستولی میکند که انسان از بی‌هوشی و جذبه آن حضور و وجود خود را از دست میدهد. چنان از خود بیخود و در بیخبری غرق میشود که گوئی در دریائی غوطه‌ور است. این حالت بیخبری مشابه غوطه‌ور شدن در آب است، آنگاه در درون خود طنینی احساس میکند که اندکی بعد فرو می‌نشیند. وقتی آن طنین فرو افتاد، آنگاه در اندرون وجودش کلامی گوارا و لطیف و موزون احساس میکند. این غوطه‌ور شدن در دریای بیخودی امری است بسیار عجیب، از عجائبی است که کلمات برای بیان آن کفایت نمیکنند. همین حالت است که بر اثر آن ابواب دریای معرفت به روی انسان گشوده میشود. همواره به هنگام دعا کردن است که خداوند متعال این حالت غریب را بر بنده خود مستولی میکند و هر دعائی را با کلامی لطیف و گوارا پاسخ میدهد.

در این حالت هر پرسشی را پاسخ میگوید و حقایق را براو آشکار میکند، آنچنانکه از قدرت انسان خارج است. این امر برای او موجب ازدیاد معرفت و باعث عرفان کامل میگردد. دعای بنده را خدای توانا با تجلی الوهیت خویش پاسخ میدهد و بهنگام هر دعای خالصانه چنین امری واقع تواند شد، گویا بنده در همین عالم خدای خود را به چشم دل دیده است و هر دو عالم برای او بدون تفاوت، یکسان میشود.

(روحانی‌خزائن جلد ۱ براهین احمدیه‌حاشیه درحاشیه شماره ۱ صفحه ۲۶۲ - ۲۶۰)

الهام

پنجمین صورت الهام آنست که بدی‌ها را با قلب انسان تعلقی نیست، بلکه صدایی از خارج میرسد و این صدا چنین بنظر میرسد که گویی از پس پرده سخن میگوید. اما این صدا بی‌نهایت گوارا و شادان و قدری با سرعت میباشد و از آن لذتی به دل میرسد. انسان قدری در استغراق میباشد که ناگهان این صدا میرسد و با شنیدن آن حیران میشود که این صدا از کجا آمد و چه کسی با من تکلم کرده. مانند حیرت زدگان به هر سوی مینگرده. سپس می‌فهمد که این صدای فرشته‌ایست. و این صدای خارجی بیشتر بشارت‌آمیز است وقتیکه انسان در مورد موضوعی نگران و مغموم میباشد.

(روحانی‌خزائن جلد ۱ براهین احمدیه‌حاشیه‌درحاشیه‌ص ۲۸۷)

نور

مقرر است که در نزد هرکس نوری باشد به او نور بیشتری داده میشود و در نزد کسیکه هیچ نباشد او را چیزی داده نمیشود. آنکه بیناست، نور آفتاب را می‌بیند و کسیکه نور چشم ندارد، از نور آفتاب بی‌بهره است. نور فطرت نیز این چنین است. به او کم میرسد و اگر کسی را نور فطرت بیشتر باشد، او را بیشتر میرسد.

(روحانی خزائن جلد ۱ - براهین احمدیه حاشیه‌ص ۱۹۶-۱۹۵)

عوالم سه گانه

خداوند متعال عالم شگفت انگیز خود را بر سه بخش تقسیم کرده است . نخست عالم ظاهر که بوسیله چشم وگوش و حواس ظاهر دیگرو یا با توسل به وسایل خارجی میتوان آنرا حس نموده . دوم عالم باطن که بوسیله عقل و قیاس درک میشوده . سوم عالم باطن درباطن که چه بسیار عالم نازک ولایدرکی است .
فوق خیال است و بسیار اندک اند کسانی که از آن خبر دارند و این عالم سوم، عالم غیب محض است که برای رسیدن به آن به عقلها توانائی داده نشده بجز ظن محض . از این عالم بوسیله کشف ووحی و الهام مطلع میشویم و نه بوسیله دیگر . ثابت و محقق شده است که خداوند متعال به انسان انواع حواس و قوت ها را عنایت کرده است تا از دوعالم نخست آگاهی یابد ، همچنین برای دانستن سومین عالم، فیاض مطلق برای انسان وسیله قرار داده و آن وحی والهام و کشف است که در هیچ زمانی بکلی متوقف نمیشود ، بلکه واجدین شرایط همواره از آن مستغنی خواهند شد .

(روحانی‌خزائن جلد ۲ــ سرمه‌چشم‌آریه ص ۱۲۸)

مذهب ما

ز عشاق فرقان وپیغمبریم   بدین آمدیم و بدین بگذریم

خلاصه و عصاره مذهب مان اینست که لا اله الا الله محمدرسول الله . زندگی دنیوی را اعتقادی نیست و ما بفضل وتوفیق باری تعالی ز این عالم گذران کوچ میکنیم . تنها اعتقادمان در زندگی

دنیوی اینست که حضرت سیدنا و مولانا محمد مصطفی صل الله علیه وآله وسلم خاتم النبیین و خیرالمرسلین میباشند ۰ دین بدست ایشان کامل شده و به مرتبه کمال رسیده آنگونه که بوسیله دین محمدی انسان میتوانند راه راست اختیارکنند و به خداوند متعال برسد ۰ ما با یقین محکم به این امر ایمان داریم که قرآن مجید خاتم کتب آسمانی است و شرایع و حدود و احکام و اوامر آنرا نمیتوان حتی با یک حرف یا یک نقطه کم وزیاد نموده ۰ و اکنون هیچ وحی یا الهامی نمیتواند از جانب الله باشد که احکام فرقانی را ترمیم یا فسخ یا دستوری را تغییر و تبدیل کنده ۰ اگر کسی چنین گمان کند آنگاه او در نزد ما از جماعت مومنان خارج و ملحد و کافر است ۰

(روحانی خزائن جلد ۳ ازاله اوهام ۱۷۰-۱۶۹)

عقیدهٔ ما

بدین امر ایمان داریم که بجز خداوند متعال معبودی نیست و سیدنا حضرت محمد مصطفی صل الله علیه وآله وسلم رسول او و خاتم الانبیاء میباشند ۰

ایمان داریم که فرشتگان و حشر اجساد و روز بازپسین و بهشت و جهنم برحق اند ۰

یمان داریم آنچه که الله جل شانه درقرآن مجید فرموده است آنچه که حضرت محمد مصطفی صل الله علیه وآله وسلم فرموده اند، همه آن بلحاظ بیان فوقالذکر برحق است ۰

و ایمان داریم که هر کس از شریعت اسلام ذره‌ای کم کندیا ذره‌ای

برآن بیفزاید یا ترک وظایف کند واز آن ابا نداشته باشد بی ایمان و از اسلام روگردانده است.
به جماعت خود نصیحت میکنیم که آنان با قلب راستین به کلمه طیبه لا اله الا الله محمد رسول الله ایمان داشته باشند وبدان بمیرند و به کل انبیاء و کل کتابها که صداقت شان از قرآن مجید به اثبات میرسد ایمان آورند و صوم و صلوة و زکوة و حج و همه دستورات خداوند متعال و رسول او را رعایت کنند و همه وظایف را وظیفه دانسته و همه منهیات را منهی پنداشته دقیقا به اسلام عمل نمایند. خلاصه همه اموریکه اجماع صالحین سلف به آن معتقد بوده و به آن عمل میکرده اند و آن اموریکه بنظر اجماع مسلمانان اسلام گفته میشود پذیرش همه آنان واجب است و ما خدای آسمان و زمین را به این امر گواه میگیریم که مذهب ما ن همین است.

(روحانی خزائن جلد ۱۴ ایام الصلح صفحه ۳۲۳)

دعوت راستین

ای مردمانیکه روی زمین زندگی میکنید! وای انسانهائیکه در شرق و غرب مستقرهستید! من بشدت شما را به این سوی دعوت میکنم چراکه اکنون فقط اسلام مذهب راستین روی زمین است وخدای راستین همان خدائیست که قرآن بیان نموده است و پیامبری که زندگی روحانی و جاودانه دارد وصاحب تخت تقدس و جلال است، کسی جز حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم نیست.

(روحانی خزائن جلد ۱۵ تریاق القلوب ص ۱۴۱)

مقام حضرت مسیح موعود (ع)

در خواب دیدم که مردم در جستجوی محیی هستند. شخصی نزد این عاجز آمد و با اشاره گفت هذا رجل یحب رسول الله. یعنی این مردی است که نسبت به رسول الله محبت دارد. و منظور از سخن این بود که شرط اعظم این مقام محبت رسول است پس آن در وجود این شخص نهفته است.

(روحانی خزائن جلد ۱ براهین احمدیه حاشیه در حاشیه ص ۵۹۸)

چراغ روشن

دنیا نمی‌تواند مرا بپذیرد زیرا من از آن دنیا نیستم. آنان که در فطرتشان سهمی از آن عالم برگرفته‌اند مرا پذیرفته‌اند و می‌پذیرند. شخصی که مرا ترک می‌کند کسی را ترک می‌کند که مرا فرستاده است و شخصی که با من همبستگی دارد با کسی همبستگی دارد که از طرف او آمده‌ام. در دست من چراغی است هرکس نزدم بیاید. یقینا از آن روشنی سهمی می‌گیرد و آنکس که وهم و بدگمانی دارد در ظلمت افکنده می‌شود. من حصن حصین این زمان هستم کسیکه بر من وارد می‌شود جان خود را از راهزنان و درندگان مصون می‌دارد.

(روحانی خزائن جلد ۳ فتح اسلام صفحه ۳۴)

فهم قرآن مجید

قسم به آن خدائی که جان من در دست اوست و مرا در فهمیدن حقایق و معارف قرآن بر هر روحی غلبه داده است، اگر عالمی مخالف در مقابل من میآمد، بدانگونه که همواره برای تفسیر قرآن آنانرا خوانده‌ام، آنگاه خداوند او را ذلیل و شرمنده میکرد. پس آنچه در فهم قرآن مجید بمن عطا شده نشانه‌ای است از الله جل شانه. به فضل خداوند یقین دارم که بزودی دنیا خواهد دید که در این گفتار صادق هستم.

(روحانی خزائن جلد ۱۲ سراج منیر ص ۴۱)

خدمت دین

من تنها نیستم. مولای کریم با من است و کسی بیش از او بمن نزدیکتر نیست. با فضل او این روح عاشقانه بمن رسیده است که رنجها را تحمل کرده برای دین او خدمت بجای آورم وکارهای بزرگ اسلامی را با شوق و صدق کامل انجام دهم. او خود مرا به اینکار مامور کرده است. اکنون با سخن این وآن نمیتوانم از آن دست بردارم.

(روحانی خزائن جلد ۵ آئینه‌کمالات اسلام‌ص ۳۵)

نشانهٔ صداقت

برای آدمی با تقوا کافی است‌که خداوند مانند مفتریان مرا

هلاک نکرده بلکه به ظاهر و باطن و به روح و جسم من آنچنان احسان نمود که نمیتوان به حساب آورده زمانیکه ادعای وحی و الهام نمودم جوان بودم و اینک پیر شده‌ام و از آغاز ادعای من مدتی بیش از بیست سال گذشته است. بسیاری از دوستان و عزیزانی که از من کم سن تر بودند، فوت گردیدند و او مرا عمر طولانی عنایت فرمود و در هرشکلی متکفل و متولی من بود. پس آیا آنکسانی چنین نشانه‌ای دارند به خداوند افترا می‌بندند؟

(روحانی خزائن جلد ۱۱ انجام آتم ص ۵۰)

هنگام آزمایش

ای دوستان من! ای کسانیکه در سلسله بیعت وارد شده‌اید! خدا بما و شما توفیق اموری را بدهد که از آن راضی است.
امروز شما اندک هستید و با نگاه تحقیرآمیزی دیده میشوید. وقت آزمایش شماست.
موافق همان سنت الله که از قدیم جاری است. از هر سوی کوشش خواهد شد که شما شکست بخورید وهرگونه آزاری بشما داده می‌شود. حرفهای گوناگون را می‌شنوید و هرکسی که شما را با دست و زبان رنج می‌دهد، گمان می‌کند که اسلام را حمایت می‌نماید.
اندکی آزمایش آسمانی هم بر شما وارد خواهد شد تا شما از هر لحاظ آزموده شوید. پس هم اکنون بشنوید که راه ظفرمندی و غالب شدن این نیست که منطق خشک خود را بکار گیرید یا درمقابل فحش، فحش دهید.
زیرا اگر شما این راه را اختیارکنید، دلهایتان سخت می‌شوند و فقط حرفهائی بر زبان شما خواهد بود که خداوند متعال از آن

نفرت دارد و با دید کراهت بدان می‌نگرد. پس شما چنین نکنید که برای خود دو لعنت گرد آورید یکی لعنت خلق و دیگری نفرین خدا.

(روحانی خزائن جلد ۳ ازاله اوها م ص ۵۴۷-۵۴۶)

آزمون الله

گمان نکنید که خداوند شما را ضایع می‌کند. شما به مثابه تخم و بذری در دست توانای او هستید که در زمین کاشته شده‌اید. خود می‌فرماید: این تخم رشد میکند و ثمر می‌دهد و شاخه‌هایش از هر سوی می‌رویند و درختی بزرگ می‌شود. پس مبارک باد بر کسی که به گفته خدا ایمان داشته باشد و از امتحان‌هائیکه به میان می‌آید، نهراسد. زیرا وجود امتحانها ضروری است. خدا آزمایشتان میکند تا آشکار گردد که چه کسی در ادعای بیعت صادق و چه کسی کاذب است. کسی که در امتحان روسیاه می‌شود هیچ ضرری به خدا نخواهد رساند و بدبختی او را به جهنم خواهد برد. اگر او متولد نمی‌شد برایش بهتر بود. اما کسانیکه تا آخر ایستادگی میکنند و زلزله‌های مصائب برآنان فرود می‌آید وتندباد حوادث می‌وزد و قومها تمسخرشان می‌کنند ودنیا با کراهت شدید با آنان برخورد می‌نماید، آنان سرانجام پیروز می‌شوند وابواب برکات بر ایشان گشوده خواهد گشت.
خدا بمن خطاب کرده و فرموده است که به‌جماعت خود اطلاع دهم: کسانیکه ایمان آورده‌اند چنانکه ایمانشان با آسودگی دنیا نیامیخته و نفاق و بزدلی بر ایمانشان مستولی نگشته وازدرجات اطاعت محروم نمانده‌اند، اینچنین کسان پسندیده خدا هستند وخد

می‌فرماید که همانا (آنان) کسانی هستند که قدمشان قدم صدق است ۰

(روحانی خزائن جلد ۲۰ الوصیت ص ۳۰۹)

نصیحت

راستی را با بی‌انصافی و اصرار نکشیده حق را بپذیرید اگرچه از یک کودک و اگر از طرف مخالف حق بیابید، سپس فورا منطق خشک و نادرست خود را ترک کنید ۰ بر راستی پایداری کنید وگواهی راستین بدهید بدانگونه که الله جلّ شانه میفرماید فاجتنبو الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور ۰ یعنی از ناپاکی بتان بپرهیزید و نیز از دروغ که کمتر از بت نیست ۰ چیزی که روی شما را از قبله حق برمی‌گرداند، همان به منزله بتی در راه شما است ۰ گواهی راستین بدهید اگرچه علیه پدرانتان یا برادران یا دوستانتان باشد ۰ هیچ عداوتی شما را از انصاف مانع نباشد ۰ بخل وکینه و حسد و بغض و بی‌مهری با یکدیگر را ترک کنید و یکی شوید ۰ قرآن مجید دو دستور بزرگ داده است ۰ یکی توحیدومحبت و اطاعت باری عزاسمه و دیگری همدردی با برادران خود و فرزندان آدم ۰

(روحانی خزائن جلد ۳ ازاله اوهام ص ۵۵۰)

راستی و انصاف

راستی اختیار کنید راستی اختیار کنید که او مینگرد که

دلهایتان چگونه است؟ آیا انسان میتواند او را فریب دهد؟
آیا نزد او هم مکر وتزویر موثر واقع میشود؟

(روحانی خزائن جلد ۳ ازاله اوهام ص ۵۴۹)

سفارشات

پس ای کسانیکه خود را جزو جماعت من قرار میدهید (شما آنوقت از جماعت من محسوب میشوید که در راه تقوی گام بردارید. پس نمازهای پنجگانه خود را باچنان بیم وحضور قلبی برپا کنید که گوئی خداوند متعال را مینگرید و روزه‌های خود را برای خداوند متعال با صدق تکمیل کنید هرکس‌که بر او زکوة واجب‌است زکوة دهد و هرکس‌که بر او حج واجب است و مانعی در (راه) او نیست، حج کند. نیکی را بنحو احسن انجام دهید و از بدی بیزار باشید و آنرا ترک کنید. بدرستی بخاطربسپارید که عملی نمیتواند در نزد خداوند متعال پذیرفته باشد مگر آنکه براساس تقوا باشد. ریشه نیکی‌ها تقوی است. در عملی که ریشه ضایع نشود، آن عمل هم ضایع نمیشود.

یقین داشته باشید که با انواع رنجها ومصیبت‌ها امتحان میشوید. بدانگونه که مومنان پیشین امتحان شدند. پس هشیار باشید، چنین نباشد که زمین بخورید زمین نمیتواند شما راضرری برساند اگر با آسمان تعلق محکم داشته باشید. هرگاه ضرر می‌بینید با دست‌های خود شماست نه با دستهای دشمنانتان. اگر همه آبروی زمینی شما از بین برود آنگاه خدا شما را عزت زوال ناپذیر آسمانی میدهد. پس او را ترک نکنید و حتمی است که شما رنج داده میشوید. و ازامیدهای فراوان بی‌نصیب میشوید پس ازاین

وضع دلگیر مشوید زیرا خدایتان شما را امتحان میکند کەدر راه او ثابت‌قدم میمانید یا خیر؟ اگر میخواهید که فرشتگان بر آسمان ستایش‌تان کنند آنگاه کتک بخورید و خرسند شوید وفحش بشنوید و شکر کنید و با ناکامی‌ها برخورد کنید و پیوندنشکنید ە شما آخرین جماعت‌خدا هستیده پس از خود عمل نیکو نشان دهید کەدر کمال خود ودر درجه انتها باشده

(روحانی خزائن جلد ۱۹ کشتی نوح ص ۱۷)

قرب الله

اگر می‌خواهید که خدای آسمان از شما راضی گردد با هم یکی شوید، بدانگونه که دو برادر از بطن یک مادره بزرگتر از شما کسی است که گناه برادر خود را بیشتر عفو کند و بدبخت کسی است که اصرار می‌ورزد و نمی‌بخشده پس او سهمی از من ندارده از لعنت خدا بیمناک باشید که او قدوس و غیور است ه زشتکار نمی‌تواند قرب او را حاصل نمایده خیانتکار نمی‌تواند قربش را حاصل کند وهرکسی که برای نام او غیرت ندارد نمی‌تواند قربش را حاصل نمایده کسانیکه مانند سگها یا مورچه‌ها یا مردارخوارها بر جیفه دنیا دل می‌بندند و در دنیا راحت‌طلبند، نمی‌توانند قرب او را حاصل کننده هرچشم ناپاکی از او بدور است و هردل ناپاکی از او بی‌خبر است ه آنکه بخاطر او از دنیا بریده می‌شود، الله با او خواهد بوده با دلی راستین وبا صدقی کامل و با قدم اشتیاقی تمام دوست خدا شوید تا او نیز دوست شما گردده

هما نا پسندیده خدای توانا ست‌که با زیردستان و همسران خودو

برادران تنگدست خویش مهربان باشید ۰

(روحانی خزائن جلد ۱۹ کشتی نوح ص ۱۳-۱۲)

نصیحت

جماعت خویش را نصیحت میکنم که از تکبر اجتناب ورزند ، زیرا تکبر بچشم خداوند ذوالجلال سخت مکروه است ۰ اما شاید شما نمیدانید تکبر چیست ؟ پس از من بشنوید که من از روح خداوند سخن میگویم ۰

هر شخصیکه برادر خود را بخاطر این که از اوعالمتر و عاقلتر یا با هنرتر است حقیر میپندارد او متکبر است ۰ زیرا او خداوند را سرچشمه عقل و علم نمی‌پندارد و خود را چیزی قرار میدهد ۰ آیا خداوند قادر نیست که او را دیوانه کند و یا او را از عقل وعلم و هنر بیشتری بهره‌مند سازد؟

شخصی که با تکیه بر مال و جاه و حشمت خود برادر خویش را حقیر میپندارد او نیز متکبر است ۰ زیرا او فراموش کرده که خداوند جاه و حشمت وی را عنایت کرده است و او نابیناست و نمیداند که خداوند قادر است که بر وی چنین روا بدارد که او فورا ""در اسفل السافلین افتد و به برادر وی که اورا حقیر میپنداشت بهتر از او مال و ثروت عطا کند ۰ همچنین کسیکه به تندرستی و سلامت خود مغرور است یا به حسن و جمال و قوت و طاقت خود مینازد و برادر خویش را تمسخر و استهزا میکند و عیوب بدنی او را بمردم میگوید او نیز متکبر است واز خدا بی‌خبر است که میتواند در لحظه‌ای بر او عیوب بدنی نازل کند و او را بدتر از برادرش سازد ۰

(روحانی خزائن جلد ۱۸ نزول المسیح ص ۴۰۲)

بدگمانی

بدگمانی بلای سختی است که ایمان را چنان زود میسوزاند بدانگونه که آتش سوزان خس و خاشاک را ۰ و آن کسیکه به مرسلان خدا بدگمان است ، خداوند دشمنش میگردد و برای جنگ با او قیام میکند و برای برگزیدگان خویش آنچنان غیرت ابراز میکند که نظیر آن درکسی دیده نمیشود ۰ وقتیکه بر من تهاجمات گوناگون شد ، همانا غیرت خدا برای من برافروخته شد ۰

(روحانی خزائن جلد ۲۰ الوصیت ص ۳۱۷)

بدظنی

من صادقانه میگویم که بدگمانی بلای بسیار بدی است که ایمان انسان را تباه میکند واز صدق و راستی دور مینماید و دوستان را دشمن میسازد ۰ برای حصول کمالات ضروری است که انسان از بدگمانی اجتناب ورزد و اگر نسبت به کسی سوء ظن یافت ، آنگاه با کثرت آمرزش بطلبد و به درگاه خداوند متعال دعای زیاد کنند تا از این معصیت و از نتیجه بد آن مصون بمانده ۰ هیچگاه نباید بدگمانی را مسئله‌ای معمولی پنداشت ۰

این امر رفتاری بسیار خطرناک است که انسان بوسیله آن زود هلاک میشود ۰

(ملفوظات جلد اول صفحه ۳۵۶)

و شما هم باید از روح القدس برای تزکیه نفوس خود و همدردی سهمی بگیرید که بجز روح القدس نمی‌توان تقوای حقیقی یافت. احساسات نفسانی را بکلی ترک کرده برای رضای خدا آن راهی را اختیار کنید که تنگ تر از آن راه دیگری نیست. شیفته لذت های دنیا نشوید که شما را از خداوند جدا میکنند و زندگی تلخ را برای خداوند اختیار کنید. دردی که خدا بدان راضی شود از آن لذت بهتر است که خداوند از آن ناراضی گردد و شکستی که بدان خدا راضی شود بهتر از آن پیروزی است که موجب خشم الهی شود. آن محبت را ترک کنید که خشم خدا را نزدیک سازد. اگر شما پاکدل شده بسوی او بیآئید آنگاه شما را در هر راهی یاری میکنند و هیچ دشمنی نخواهد توانست که به شما ضرری برساند.

(روحانی خزائن جلد ۲۰ الوصیت ص ۳۰۷)

لباس تقوا

لباس تقوی اصطلاح قرآنی است و این بدان امر اشاره میکند که زیبائی روحانی و زینت روحانی با تقوا بوجود میآید. و تقوآنست که انسان همه امانت های خدا و تعهدات ایمانی و همچنین همه امانت های مخلوق و تعهداتش را در حد وسیع رعایت کنند، یعنی ابعاد آنرا طابق النعل بالنعل و در حد مقدور به انجام برسانند.

(روحانی خزائن جلد ۲۱ـ براهین احمدیه قسمت ۵ ص ۲۱۰)

روح آسمانی

من با ادعای کامل ومحکم میگویم که در راه راست هستم و بفضل خداوند متعال پیروزی در این میدان از آن من است ۰ تا آنجائی که به دور دست مینگرم همه دنیا را تحت اقدام راستی خود میبینم و نزدیک است که من پیروزی عظیم الشان بیابم زیرا در تائید زبان من زبان دیگری سخن میگوید و برای تقویت دست من، دست دیگری عمل میکند که دنیا نمی‌بیند اما من مینگرم ۰ دردرون من روح آسمانی سخن میگوید که هر لفظ و حرف مرا زندگی میبخشد و بر آسمان شدت و جوششی بوجود آمده است که او مانند عروسکی این مشت خاک را بلند کرده است ۰ هر آنکس که ابواب توبه بر او بسته نیست ،بزودی مینگرد که من از جانب خود نیستم ۰
آیا آن چشمان بینا نمیتوانند صادق را ببینند و بشناسند؟ ۰

(ازاله اوهام ص ۴۰۳)

سرانجام سلسله

یقین بدانید که این بوته با دست خدا کاشته شده است ۰ هرگز خداوند آنرا ضایع نخواهد کرد ۰ راضی نخواهد شد تا وقتیکه به کمال خود نرساند و آنرا آب می‌رساند ، پیرامونش را محافظت میکنند و به آن ترقی‌های تعجب انگیز میدهد ۰ آیا برای از میان بردن تلاشها نشده است ؟ پس اگر کار انسان بود مدتها پیش به درختی بریده مبدل می‌شد و نام ونشانی از آن باقی نمی‌ماند ۰

(روحانی خزائن جلد ۱۱ـ انجام آتم ص ۶۴)

مردم زمین گمان میکنند که شاید مذهب مسیحی سرانجام در دنیا گسترش می‌یابد یا مذهب بودائی بر دنیا غلبه خواهد کرد. اما به اشتباه گمان میکنند.
باید بخاطر داشته باشید در زمین امری ظهور نمی‌کند مگر آنکه در آسمان مقرر گردد.
پس خدای آسمان مرا میگوید که در آخر کار مذهب اسلام دلها را فتح میکند.

(روحانی‌خزائن جلد ۲۱ــ براهین احمدیه جلد ۵ صفحه ۴۲۷)

روح

اگر به دقت بنگریم معلوم میشود که مادر روح جسم است. در بطن زنان حامله هیچگاه روح از بالا فرو نمی‌افتد، بلکه آن نوری است که در نطفه نهفته می‌باشد وبا نشو ونمای جسم می‌درخشد کلام پاک خداوند متعال ــ برما روشن میسازد که روح از هنگامی در قالب جسم حلول میکند که نطفه در رحم بوجود می‌آید. بدان گونه که در قرآن مجید میفرماید:

ثُمَّ اَنْشَاْنٰهُ خَلْقًا اٰخَرَ ۚ فَتَبٰرَكَ اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخٰلِقِيْنَ ۝

یعنی آن جسمی که در رحم آماده شده به شکل دیگر در آورده و خلقتی دیگر از آن ظاهر میکنیم که بنام روح موسوم است و

خداوند بسیار با برکت است و چنین خالق است که کسی همتای او نیست.

(روحانی خزائن جلد ۱۰ـ فلسفه اصولهای اسلام ص ۳۲۱)

ایمان و عمل

بدانگونه که یک باغ نمیتواند بدون آب سرسبز بماند، همانگونه هیچ ایمانی بدون اعمال نیکو نمی‌تواند ایمان زنده نامیده شود. اگر ایمان باشد وعمل نباشد آنگاه ایمان هیچ است واگر عمل باشد وایمان نه آنگاه اعمال از سر ریاکاری است.
حقیقت بهشت اسلامی همین است که آن ظلی است از ایمان وعمل این دنیا. چیزی جدید نیست که از بیرون آمده و به انسان برسد. بلکه بهشت انسان از درون انسان پدیدار میشود. بهشت هرکس ایمان اوست و اعمال صالح اوست که لذتش را در همین دنیا می‌نمایاند.

(روحانی خزائن جلد ۱۰ فلسفه اصولهای اسلامی صفحه ۳۹۰)

زندگی پس از مرگ

این فلسفه عالی اسلام است که به هرکسی درقبر جسمی داده میشود. جسمی که برای لذت و ادراک پاداش یا عذاب ضروری است. نمیتوانیم دقیقا بگوئیم که آن جسم با کدام ماده ساخته میشود زیرا جسم فانی معدوم میشود. کسی مشاهده نکرده است که درحقیقت همین جسم در قبر زنده میگردد یا جسم دیگری. برای اینکه گاهی

وقات این جسم سوزانده میشود ، در موزه‌ها هم گذاشته میشود و تا مدت‌ها میتواند بیرون از قبر نیز گذاشته شود. اگر همین جسم زنده میشد. البته مردم آنرا می‌دیدند. آنچه از قرآن کریم استنباط میشود زنده شدن جسم است. لذا باید بپذیریم که بوسیله جسم دیگری چنین خواهد شد، جسمی که نمیتوانیم آنرا ببینیم. غالبا آن جسم از جوهر لطایف جسم ساخته میشود. آنگاه اجزاء بدن در جای خود قرار میگیرند و این دومین جسم چون نسبت به جسم قبلی بسی لطیف میباشد، بنا براین باب مکاشفات بطور وسیع با آن گشوده میشود.

(روحانی خزائن جلد ۱۳ـ کتاب البریه ص ۷۱ـ۷۰)

گناه

گناه در حقیقت زهری است که وقتی پدیدار میشود انسان را از اطاعت خداوند و محبت شدید خداوند و از یاد محبانه الهی محروم وبی‌نصیب می‌گرداند. همانند درختی که از زمین کنده شود و قادر به مکیدن آب نباشد روزبروز خشک میگردد و کل سبزیاش برباد میرود.

چنین است حال انسانی که دلش از محبت خدا جدا باشد. پس گناه مانند خشکی بر او غلبه میکند و علاج خشکی او در محضر الهی سه چیز است.

اول محبت، دوم استغفار که معنیاش فشردن و پوشاندن است تا وقتیکه ریشه درخت در خاک برقرار شود وامید سرسبزی برآن متصور گردد و سومین راه علاج توبه است. یعنی چشیدن آب زندگی و با شرمساری بسوی خداوند روی آوردن و خود را به او

نزدیک کردن و خود را با اعمال صالح از حجاب معصیت بیرون آوردن و توبه تنها با زبان نیست ، بلکه کمال توبه با عمل صالح است . کل نیکی‌ها برای تکمیل توبه میباشند .

(روحانی خزائن جلد۱۲ پاسخ به چهار سئوال سراج الدین مسیحی ص ۳۲۸)

نجات

آن مسئله‌ای که در انجیل درباره نجات بیان شده است ، یعنی مصلوب شدن حضرت عیسی علیه‌السلام را قرآن مجید نپذیرفته ، ولیکن قرآن مجید حضرت عیسی علیه‌السلام را نبی برگزیده قبول دارد و او را گرامی خداوند و مقرب و وجیه قرار میدهد . همچنین او را انسان محض بیان میفرماید و برای نجات این امر را ضروری نمیدانند که بار گناهکاری را بر عهده بی‌گناهی بیافکند ، عقل هم نمی‌پذیرد که گناه را زید مرتکب شود و بکر مواخذه گردد . جای تاسف است که درباره نجات بدانگونه که مسیحیان اشتباه کردند پیروان آریه نیز در آن اشتباه سهیم‌اند . آنان درحقیقت اصل را فراموش کرده‌اند . در عوض گناهی کل کیفر را نبینند که برای آن گناه معین شده است ، نجات غیرممکن خواهد بود .

(روحانی‌خزائن جلد ۲۳ ـ چشمه معرفت صفحه ۴۱۴)

جهاد

سلام هیچگاه مسئله جبر را تعلیم نداده است . اگر قرآن مجید

وکتابهای حدیث و تاریخ را بدقت بنگریم و اگر تا جائیکه ممکن است با تدبر واندیشه به موضوع نگاه کنیم. پس از اخذ معلومات وسیع بنظر میرسد که اسلام قطعا جبر و شمشیر را برای گسترش خود اختیار نکرده است. این قسمت بی‌اساس و حزن انگیز است. این گمان ناشی از تعصب کسانی میباشد که قرآن و حدیث وکتابهای تاریخ اسلام را بدقت ندیده‌اند و دروغ و بهتان را روش کار خود ساخته‌اند.

اینک آنزمان نزدیک است که‌تشنگان حقیقت به درستی یا نادرستی آن بهتانها آگاه شوند، آیا این مذهب را میتوانیم مذهب جبر بدانیم، درحالیکه در کتابش قرآن کریم بوضوع میفرماید: لاکراه فی‌الدین: یعنی برای داخل نمودن در دین جبر جائز نیست. آیا سیره آن نبی بزرگ را فراموش کرده‌ایم که سیزده سال شب و روز در مکه معظمه یاران خویش را نصیحت کردند که با شر مقابله نکنند و صبر پیشه سازند؟ البته هنگامیکه حضرت احدیت فرمودند با شمشیر کشته شوند آنانکه شمشیر برمیدارند! بر این اساس قرآن مجید، هرگز تعلیم جبر نداده. اگر جبر تعلیم قرآن بود صحابه نبی ما رسول اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم ایمان راستین نمی‌یافتند و در هنگام امتحان آنگونه که میدانیم صدق نشان نمیدادند، وفاداری صحابه به سیدو مولایمان نبی اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم امری است که برای بیانش ضرورتی نیست. این امر بر کسی پوشیده نمیباشد که وفاداری و صدق یاران پیامبر (ص) آنچنان به منصه ظهور رسید که در میان اقوام دیگر نظیر ندارد. آن یاران باوفا در سایه شمشیر صادق و وفادار نشدند، بلکه براثردوستی نبی پاک (ص) و صدقی که از ایشان دیدندکه نظیر آن را در هیچ انسانی نمیتوان یافت راه صدق ووفا را برگزیدند. چنین است که‌ثابت

(روحانی خزائن جلد ۱۵ مسیح در هند ص ۱۲-۱۱)

گسترش اسلام

همه مسلمانان راستین که از این دنیا درگذشته‌اند هیچگاه بر این عقیده نبودند که اسلام باید با شمشیر گسترش بیابد، بلکه معتقد بودند که اسلام بسبب محاسن ذاتی خود در دنیا گسترش یافته است. پس کسانیکه مسلمان نامیده میشوند و بر این عقیده‌اند که اسلام را باید با شمشیر گسترش داد، آنان معترف به محاسن ذاتی اسلام نیستند.

(روحانی خزائن جلد ۱۵- تریاق القلوب حاشیه صفحه ۱۶۷)

دُعا

وقتیکه فضل الله تبارک وتعالی نزدیک گردد آنگاه اوست که اسباب قبول دعا را فراهم میکند و در آن زمان دل آمیخته با سوز و گداز میگردد. اما وقتیکه دعا مقبول نباشد در دل اطمینان و رجوع ایجاد نمیشود چه بسا اوقاتی که بر ذهن خود هر چند فشار می‌آوریم ولی طبیعت مان بسوی جلوه‌های سوز و گداز مایل نمیشود. علت اینست که گاهی خداوند متعال میخواهد قضا و قدر خود را بقبولاند ولی گاه که غیر از این را اراده میفرماید دعا را قبول میکند. بنابراین تا وقتیکه آثار اذن الهی را نیابیم. برمقبولیت دعا امید کمی داریم وبا خرسندی به قضا وقدرش راضی

میشویم زیرا ثمرات رضاء بالقضا وبرکاتش بیش از آن میباشد.

(ملفوظات جلد اول صفحه ۴۴۰)

همدردی با بنی نوع انسان

این از اصول ماست که با کل بنی‌نوع انسان همدردی کنیم. اگر شخص همسایه‌ای هندو را دید که در خانه‌اش آتش‌سوزی شده است و او را در خاموش‌کردن آتش یاری نداد، صادقانه میگویم که آن شخص از آن من نیست، اگر شخصی از مریدان من دید که مردی مسیحی را میکشند و او برای نجاتش کمک نکرد آنگاه صادقانه میگویم که او از ما نیست.

(روحانی خزائن جلد ۱۲ـ سراج‌منیر ص ۲۸)

به همه مسلمانان و مسیحیان و هندوها و آریه‌ها این امر را ابراز میکنم که در دنیا هیچکس دشمن من نیست، به بنی نوع خود محبت دارم بدانگونه که مادر مهربان با بچه‌های خود بلکه‌بیش از آن من تنها دشمن عقاید باطل هستم که بدان راستی کشته میشود. همدردی با انسان ها وظیفه من است و بیزاری از دروغ و شرک و ظلم و عمل زشت وبی‌عدالتی و بداخلاقی اصول من است.

(روحانی خزائن جلد ۱۷ ـ اربعین شماره ۱ صفحه ۳۴۴)

فرشتگان

پس از تفکر عمیق در قرآن مجید چنین بنظر میرسد که برای تربیت ظاهری و باطنی انسان بلکه جمیع کائنات، وجود برخی ز وسایل ضروری است. در پاره‌ای از اشارات قرآنی روشن بنظر میرسد که نفوس طیبی موسوم به فرشتگان وجود دارند که روابط شان جداگانه با طبقه‌های آسمانی برقرار است. برخی مامور وزیدن باد و برخی مامور فرو ریختن باران هستند و برخی بر روی زمین اعمال دیگری را مامور میباشند.

(روحانی خزائن جلد ۳ ـ توضیح مرام ص ۷۰)

افضلیت بشر

این را هم باید به یاد داشته باشید که در شریعت اسلام درجه ملائک از بشر بیشتر نیست. بلکه خواص الناس از خواص الملائک افضل است. هرچند که در نظام جهانی یا روحانی واسطه‌ای بشمار می‌آیند اما این امر بر افضلیت آنان دلالت نمی‌کند، بلکه به اشاره قرآن مجید آنان همانند خادمان به کار گمارده شده‌اند.

(توضیح مرام ص ۷۴)

نزول فرشتگان

شاید بی‌خبرانی از این متحیر شوند که نزول فرشتگان چه معنی دارد؟ پس واضح گردد که الله اینگونه مقرر داشته است که وقتی

نبی یا رسول برای اصلاح خلق الله از آسمان فرو میآید آنگاه یقینا " با او و همراه او فرشتگان نزول میکنند و بر دلهای مستعد نور هدایت میافکنند و مردم را به نیکی ترغیب میکنند تا وقتیکه ظلمت کفر و ضلالت دور شده صبح صادق ایمان وراستی نمودار شود. بدانگونه که الله جلّ شانه میفرماید:

تَنَزَّلُ الْمَلٰٓئِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ۚ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ۝

(سوره القدر آیه ۵)

نزول فرشتگان و روح القدس زمانی رخ میدهد که آدمی عظیم الشان، خلعت خلافت به تن کرده و به کلام الهی مشرف شود. که به زمین نزول میفرماید. بطور خاص روح القدس بآن خلیفه میرسد.

(روحانی خزائن جلد ۳ فتح اسلام ص ۱۲)

یأجوج و مأجوج

یاجوج و ماجوج آن قومی است که در دنیا از کل قومها در بکار گرفتن آتش استاد بلکه مخترع اینکار است و در این نام مستتر است که هواپیماهایشان راه‌آهن‌هایشان کارخانه‌هایشان بوسیله آتش کار خواهد کرد و جنگ هایشان بوسیله آتش خواهد بود و آنان در فن به خدمت گرفتن آتش از همه قومهای دنیا برتر خواهند بود و بدین سبب آنان یاجوج و ماجوج نامیده خواهند شد. پس آنان قومهای اروپائی هستند که در فنون آتش ماهر و زرنگ و یکتای روزگار هستند بگونه‌ایکه لازم نیست در این زمینه سخن بیشتری گفته شود. در کتاب های قبلی که به انبیاء بنی‌اسرائیل

داده شد مردمان اروپا یاجوج و ماجوج قرار داده شده‌اند. بلکه اسم مسکو هم نوشته شده است که پایتخت قدیمی روس بوده. پس مقرر شده بود که مسیح موعود در زمان یاجوج وماجوج ظاهر گردد.

(روحانی خزائن جلد ۱۴- ایام الصلح ص ۴۲۴)

موسم نور

بدانگونه که می‌نگرید، میوه بوقت خود حاصل میگردد همانگونه که نور بوقت خود نزول میکند و قبل از اینکه نزول کند کسی نمی‌تواند آنرا نازل نماید. وقتیکه نزول کرد کسی نمی‌تواند آنرا محصور کند. اما لازم است که نزاع رخ دهد واختلاف واقع گردد ولی در هر حال پیروزی با راستی است. این امر انسانی نیست و از دست آدمیزاد برنمی‌آید بلکه از سوی خدایی است که فصول را تغییر میدهد و زمان را متغیر میسازد و روز را به شب و شب را به روز مبدل میگرداند. هم او تاریکی ایجاد میکند و هم روشنی را. او میخواهد شرک گسترش پیدا کند. اما توحید ر گرامی میدارد و نمیخواهد که جلال او را بدیگری واگذار کند. از زمانیکه انسان آفریده شده است تا زمانیکه نابود شود قانون خدا همین است که او از توحید جاودانه حمایت میکند.

(روحانی خزائن جلد ۱۵ مسیح در هند ص ۶۵)

در سپاس از پروردگار

الهـــی !
ای کارساز و عیب پوش! ای کردگار !
ای گرامی من ! ای نیکوی من ! پروردگار من !
این سراسر فضل واحسان تست که مرا پسندیدی
وگرنـــه،
در درگاه تو کم نبوده‌اند خادمان
و کسانیکه مدعی دوستی بودند و دشمن شدند.
تومرا رها نکردی ای آنکه برآورنده حاجت من هستی !
ای یار یگانه من !ای پناه جانم ! بی تو من هیچم. کاری ندارم.
اگر الطافت نبود پس از مرگ خاک میشدم،
ای آنکه جسم وجان و دلم فدای راه تو باد !
نیافتم کسی را که مانند تو بمن محبت کند.
از ابتدا سایه‌ات برسرم بوده روزهای عمرم سپری شد و درآغوشت همانند طفلی شیرخوار بودم. غیر از تو ندیدم کسی را غمگسار خودم.
مردم میگویند نالایقان پذیرفته نمیشوند، چگونه من نالایـــق در درگاهت پذیرفته شدم؟ آنقدر عنایات و کرم تو بمن رسیـــده است که مشکل خواهم توانست تا روز قیامت آنها را برشمارم.

(روحانی خزائن جلد ۲۱ براهین احمدیه قسمت ۵ ص ۱۲۷)

مذاهب عالم

از جمله اصولی که بدان استوار شده‌ام اینست که خدا بمـــــن الهام نموده است که در دنیا هر مذهبی که بوسیله انبیاء گسترش

یافته و استحکام گرفته وبخشی از دنیا را احاطه کرده وعمری یافته و زمانی بر آنان گذشته است ، بنابراصلیت خود کاذب نیست و هیچکدام از انبیاء شان نیز کاذب نمیباشند ۰

(روحانی خزائن جلد ۱۲- تحفه قیصریه ص ۲۵۶)

این اصل بی‌نهایت گرامی و آرامبخش و بنیانگذار آشتی و یاری دهنده روشهای اخلاقی است که ما همه انبیاء را صادق بپنداریم ۰ خواه درهند ظهور کرده باشند یا در فارس یا در چین یا در سرزمینی دیگر که خداوند متعال دردل میلیونها نفوس عزتشان و عظمتشان را نشانده است و ریشه مذهبشان را استوار نموده است ۰

(روحانی خزائن جلد ۱۲ تحفه قیصریه ۲۵۹)

SELECTIONS FROM THE WRITINGS OF THE PROMISED MESSIAH

IN PERSIAN